[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۶۹-۹۶

:20.1001.1.22286713.1401.14. 52.1.9

واکاوی سیرهٔ پیامبراکرم(ص) و ائمهٔ اطهار در حفظ کرامت انسانی بردگان وکنیزان

فریبا جان‌افزا[۱]
اردشیر اسدبگی[۲]
محمود مهدوی دامغانی[۳]

چکیده: در این پژوهش سیرهٔ پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ اطهار(ع) در مواجهه با نظام برده‌داری و حفظ کرامت بردگان و کنیزان با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در عصر جاهلیت برده‌داری به صورت گسترده‌ای در عربستان رواج داشته و برده‌ها از حقوق بسیار ناچیزی برخوردار بودند. کنیزان نیز در این دوره اغلب برای زاد و ولد و حضور در مجالس لهو و لعب خرید و فروش می‌شدند که سود سرشاری برای صاحبان خویش به ارمغان می‌آوردند. با ظهور اسلام، پیامبر(ص) و ائمهٔ اطهار سعی در برچیدن تعصبات جاهلیت در میان اعراب، به‌خصوص برده‌داری در جامعهٔ آن دوران کردند. نگارندگان پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش‌اند که پیامبر(ص) و ائمهٔ اطهار چه راهکارها و تمهیداتی برای تغییر جایگاه بردگان و کنیزان در جامعهٔ اسلامی اندیشیدند؟ دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ اطهار با راهکارهایی نظیر آزادی بردگان در راه رضای خداوند، پیوند با کنیزان و همچنین تربیت و تعلیم آنها سعی و اهتمام فراوانی در بالا بردن جایگاه آنان در جامعه اسلامی داشتند.

واژه‌های کلیدی: سیره پیامبر(ص)، ائمهٔ اطهار، برده‌داری، حفظ کرامت، کنیز

---

۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران faribajanafza@gmail.com

۲ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد ، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسندهٔ مسئول) jafar.asadbeigi@gmail.com

۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران Mahdavidamghani.mahmoud@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۴/۱

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 52, Spring 2022
Reserch Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 69-96

Analysis of the Behavior of the Holy Prophet (PBUH) and Imams in Preserving the Human Dignity of Slaves and Maids

Fariba Janafza[1]
Ardeshir Asadbegi[2]
Mahmoud Mahdavi Damghani[3]

Abstract: In this study, the behavior of the Holy Prophet (PBUH) and the Imams (AS) is examined in the face of the slavery system for maintaining the dignity of slaves and maids using a descriptive-analytical method. The findings show that in the "Age of Ignorance", slavery was widespread in Saudi Arabia and slaves had little rights and they were traded. With the advent of Islam, the Prophet (PBUH) and the Imams tried to eliminate the prejudices of ignorance among the Arabs, especially slavery in the society of that time. The present research seeks to answer the question that what strategies and arrangements did the Prophet (PBUH) and the Imams devise to change the status of slaves and maids in the Islamic society? The findings of the research indicate that the Holy Prophet (PBUH) and the Imams tried hard to raise slaves' position in Islamic society through great efforts such as freeing slaves for the God's sake, mingling with slaves, training and educating them.

Keywords: Sira of the Prophet (PBUH), Imams, slavery, preservation of dignity, maid.

1 PhD Student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. faribajanafza@gmail.com
2 Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author). jafar.asadbeigi@gmail.com
3 Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. Mahdavidamghani.mahmoud@gmail.com
Reccive Date: 2021/01/2 Accept Date: 2021/06/22

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

مقدمه

رسم برده‌داری یکی از کهن‌ترین رسومات و عادات اعراب جاهلی در شبه‌جزیرهٔ عربستان بود و به عنوان تجارتی سودآور برای برخی از آنان محسوب می‌شد. در زمان ظهور اسلام این رسم به‌طور گسترده در این منطقه ریشه دوانده بود.. اسلام با آگاهی از این سنت غلط و ریشه‌های عمیق آن و مواجهه با پاسخ‌های سخت از سوی مشرکان و برخی از مردم سعی کرد با آگاهی بخشیدن به مردم با این سنت غلط مبارزه کند و با وضع قوانینی به منظور رهایی تدریجی بردگان اقدام کند. ناگفته نماند برخی از بردگان با اینکه روزگار سختی را در کنار اربابانشان سپری می کردند، اما از حداقل امکانات نظیر خوراک، سرپناه و حمایت ارباب برخوردار بودند و چه‌بسا اگر آزاد می‌شدند، به دلیل نداشتن ثروت و مهارت دچار مشکلات معیشتی می‌شدند؛ بر همین اساس اسلام با قاطعیت نظام برده‌داری را از میان نبرد، بلکه به اصلاح آن پرداخت و برای بردگان حرمت انسانی قائل شد و به‌تدریج برای آزاد کردن آنان تلاش کرد. پیامبر اکرم(ص) در طول حیات خویش با سیرهٔ عملی و همچنین سخنانی دربارهٔ اهمیت آزادی بندگان در راه خدا و ثواب اخروی، توانستند مسلمانان را به این امر ترغیب کنند. پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و دوری ائمه از صحنهٔ سیاسی و دور شدن مردم از سرچشمهٔ احکام الهی، دوباره برخی تعصبات و رسومات اعراب در عرصهٔ اجتماعی جان گرفت. خلیفه دوم با آغاز تبعیض در تقسیم بیت‌المال و برتری دادن به برخی صحابه و همسران پیامبر، به این امر بسیار دامن زد و سپس با طرح سیاست فتوحات در عصر خلفای راشدین که به تبع آن اسرای فراوانی وارد جامعهٔ اسلامی شدند، برده‌داری که با راهکارهای مؤثر اسلام رو به زوال بود، جانی تازه گرفت. البته این مطلب را باید عنوان کرد که برده‌داری در دوران امویان و اوایل خلافت عباسیان به اوج خود رسید؛ به‌گونه‌ای که اصولاً یکی از اهداف فتوحات در آن دوره گرفتن اسیر و خرید و فروش آنان بود و علاوه بر آن، غلامان و بردگان که در ماوراءالنهر فروخته می‌شدند، به جامعهٔ اسلامی وارد شدند و حتی برخی از آنان در دستگاه خلافت اسلامی راه پیدا کردند و برخی از آنها به مناصبی هم‌دست یافتند. نگارندگان این پژوهش سعی داشته‌اند با رویکرد توصیفی- تحلیلی به بررسی سیرهٔ پیامبر و اهل بیت او در زمینهٔ بردگان و کنیزان و حفظ کرامت آنان بپردازند و پاسخی درخور توجه ارائه دهند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش است که پیامبر(ص) و ائمهٔ اطهار در طول حیات خویش چه راهکارها و تمهیداتی به منظور تغییر جایگاه بردگان و کنیزان در جامعه اسلامی اندیشیدند؟ و چگونه آن را در جامعهٔ آن دوران متداول کردند؟ در این راستا پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) با اقدامات گوناگون خویش سعی در احقاق حقوق این طبقه ضعیف داشتند؛ چنان‌که بیشتر بردگان در خانهٔ امامان مورد محبت و کرامت بودند و با معارف دینی و احکام الهی آشنا شدند و از محضر آنان استفاده‌های علمی و عملی بسیار بردند.

پیشینه تحقیق

با مراجعه به منابع مکتوب و بررسی آثار تاریخی در زمینهٔ سیره پیامبر(ص) و ائمه (ع) در برابر بردگان و کنیزان، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در این میان می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد:

مصطفی حسینی طباطبایی (۱۳۷۲) در کتاب *بردگی از دیدگاه اسلام* [۱] و محمدصادق ایرجی (۱۳۸۰) در کتاب *بردگی در اسلام* [۲] فقط به مبانی بردگی در دین اسلام پرداخته‌اند. عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی (۱۳۸۵) در کتابی با عنوان *بررسی تاریخی اسلام و برده داری(با تکیه بر سیره معصومان)*، [۳] به بررسی تحلیلی بردگی در این دو دوره در عربستان پرداخته است. در کتاب *سرنوشت اسیر در اسلام* [۴] *(بررسی تاریخی، فقهی جنگ، اسارت و بردگی)* نوشتهٔ سید علی میرشریفی(۱۳۹۵) چنان‌که از نامش برمی‌آید، به موضوع جنگ و جهاد، اسارت و اسیر، برده و برده‌داری از نظر تاریخی و فقهی در دین اسلام به تفصیل پرداخته شده و نظر نهایی اسلام در مورد آنها بیان شده است. زین‌العابدین قربانی لاهیجی (۱۳۸۳) در کتاب *اسلام و حقوق بشر* [۵] به حقوق بشر و دیدگاه اسلام نسبت به آن و مباحثی چون «حقوق و منابع آن»، «سیر اجمالی

---

۱ مصطفی حسینی طباطبایی (۱۳۷۲)، *بردگی از دیدگاه اسلام*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

۲ محمدصادق ایرجی (۱۳۸۰)، در *کتاب بردگی در اسلام*، تهران: کتابفروشی محمدی.

۳ عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی (۱۳۸۵)، *بررسی تاریخی اسلام و برده داری(با تکیه بر سیره معصومان)*، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۴ سیدعلی میر شریفی (۱۳۹۵)، *سرنوشت اسیر در اسلام(بررسی تاریخی، فقهی جنگ، اسارت و بردگی)*، تهران: سمت.

۵ زین‌العابدین قربانی لاهیجی (۱۳۸۳)، *اسلام و حقوق بشر*، [بی‌جا]: سایه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

حقوق در طول تاریخ»، «مساوات همه‌جانبه» و «اسلام و آزادی» پرداخته است. علی‌اصغر رضوانی (۱۳۸۵) در کتاب *پیامبر اعظم(ص) و جهاد و برده‌داری*[۱] به عملکرد پیامبر و اقدامات وی در عرصهٔ برده‌داری پرداخته است. در مقالهٔ بازخوانی شبههٔ «منافات برده‌داری با شخصیت انسان» از منظر اسلامی[۲] تألیف رضا باقی‌زاده (۱۳۹۵) به بررسی موانع برده‌داری در دوران پس از اسلام و حذف تدریجی این پدیده پرداخته شده است. در مقاله ناهید طیبی (۱۳۸۵) با عنوان «مادران امامان شیعه(ع) و نقش سیاسی- اجتماعی آنان»[۳] و مقاله محمدسعید نجاتی (۱۳۹۶) با عنوان «چرایی کنیززادگی و کنیزداری امام هادی(ع)»[۴]، تمرکز پژوهشگران بیشتر بر روی مادران ائمهٔ اطهار و کنیزداری آنان است. رضا محمدی کرجی و مسعود راعی دهقی در مقاله‌ای با عنوان «کنیزداری و حفظ حقوق انسانی»[۵] (۱۳۹۶) به رابطهٔ جنسی با کنیز بدون رضایت و قوانین اعمال‌شده در این باره پرداخته‌اند. در مقاله «بررسی نظام برده‌داری از دیدگاه اسلام»[۶] نوشتهٔ سید حسین هاشمی (۱۳۸۱) به بررسی نظام حقوقی اسلام دربارهٔ فلسفه برده‌داری پرداخته شده است.

با بررسی‌های صورت‌گرفته پژوهشی همه‌جانبه با عنوان سیره پیامبر و ائمه اطهار(ع) در مقابل بردگان و کنیزان و حفظ کرامت آنان صورت نگرفته است و همین امر ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد.

۱. واژه و اصطلاحات برده و برده‌داری

۱-۱. تعاریف برده

واژهٔ «برده» در زبان عربی لفظی رایج در معنی«عَبد»[۷] است. البته به تعبیر دقیق‌تر،

---

۱ علی‌اصغر رضوانی رضوانی (۱۳۸۵)، *پیامبر اعظم(ص) و جهاد و برده‌داری*، [بی‌جا]: جمکران.

۲ رضا باقی زاده (۱۳۹۵)، بازخوانی شبههٔ «منافات برده‌داری با شخصیت انسان» از منظر اسلامی، *پژوهش های اعتقادی کلامی*، ش ۲۱، ۲۲-۲۷.

۳ ناهید طیبی، (۱۳۸۵)، «مادران امامان شیعه(ع) و نقش سیاسی- اجتماعی آنان»، *بانوان شیعه*، س ۳، ش ۶و۷، ۷-۳۲.

۴ نجاتی، محمدسعید(۱۳۹۶)، «چرایی کنیززادگی و کنیزداری امام هادی(ع)، *سخن تاریخ*، ش۲۶، ۱۱۳-۱۳۴.

۵ رضا محمدی کرجی، مسعود راعی دهقی (۱۳۹۶)، «کنیزداری و حفظ حقوق انسانی»، *نشریه پاسخ*، ش۵، ۱۲۹-۱۶۰.

۶ سیدحسین هاشمی (۱۳۸۱)، بررسی نظام برده‌داری از دیدگاه اسلام، *رواق اندیشه*، ش۷، ۹۵-۱۱۳.

۷ البته شایع‌ترین مورد، صیغهٔ جمع آن در این معنی «عَبید» است و در قرآن کریم «عباد» (سورهٔ نور، آیهٔ ۳۲) ذکر شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

مصداقی برای «بردهٔ مرد» بوده و به «بردهٔ زن» «اَمَـه» (جمـع: امـاه) می‌گفتنـد. جمـع صیغه کلمه عبد واژه عبید، عباد، عبده، عبدون و اعباد می‌باشد (ابـن منظـور، ۱۴۱۴: ۲۷۰/۳). این لفظ در قرآن نیامده، اما به جای آن لفظ «رتبه» (به معنای گردن و قفا) به کار رفته است[۱] (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۱). همچنین عبارات کنایی «ما مَلَکَت اَیمانُکُم» (سورهٔ نساء، آیهٔ۴) و در قرآن واژه «جاریه» برای «بردهٔ زن» فراوان به کار رفته است (البعلبکی، ۱۳۸۷: ۱۴). واژهٔ «اسیر» نیز در معنای حقیقی «گرفتار» است. برای واژهٔ «بردگی»، «رق» آمده است و برده‌دار را «سید»، «مولی» و در زبان حقوقی «مالک» می‌خوانند. در زبان فارسی به بردهٔ زن «کنیز» می‌گویند (هاشمی شـاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶: ۹۱/۱). در این میان، بردگان دیگری نیز بودند که به آنان«عَبدُقنٍّ» می‌گفتند. این بردگان در خانهٔ صاحب خویش زاده می‌شدند و حـق مالکیـت تـامّ و تمام بر آنان اعمال می‌شد و برخلاف بردهٔ مکتسـب (عبـد مملوکـه) نـه بـه فـروش می‌رسید و نه رها می‌شد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۵/۲، ۲۵۹، ۲۸۶).

۲-۱. اقسام برده‌داری

بردگی در عصر جاهلیت و پس از آن در دورهٔ اسلام انواع گوناگونی دارد که به سه نوع بردگی عمده آن می‌پردازیم:

۱-۲-۱. بردگی مطلق: این وجه از بردگی کامل‌ترین شکل بردگی اسـت و اغلـب بردگان جهان نیز بردگی مطلق را تجربه کرده‌اند. مقررات و نظام حقوقی حاکم بـر نظام برده‌داری هیچ امکان و راهی برای آزادسازی بردگان مطلق قرار نداده و بردگان تنها زمانی آزاد می‌شوند که اربابان آنها را آزاد کنند(صدوق، ۱۳۹۸: ۲۰۷/۳- ۲۰۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۸/۵).

---

۱ همچنین آیهٔ ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾(خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که از روی اراده می‌خورید و می‌شکنید، شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش غذا دادن به ده بینواست؛ از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید یا پوشانیدن آنان یـا آزاد کـردن بنـده‌ای و کسـی کـه [هیچ‌یک از اینها را] نیابد، [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی کـه سـوگند خوردیـد و سوگندهای خود را پاس دارید. این‌گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کنـد؛ باشـد کـه سپاسـگزاری کنیـد) (سورهٔ مائده، آیهٔ ۸۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

۲-۲-۱. بردگی مدبر: «برده مدبر» یا «عبد مدبر» اصطلاحی عربی است که در مورد یکی از گونه‌های بردگی در مباحث فقهی اسلامی به کار برده می‌شود. «عبد مدبر» به دسته‌ای از بردگان اطلاق می‌شود که ارباب و صاحب برد ه آزادی برده را به مرگ خویش منوط می‌کند. به بیان دیگر، بردگان مدبر کسانی‌اند کَه بعد از مرگ اربابان خویش حق آزادی پیدا می‌کنند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۵۱/۱). این قرار که مالک آن را در زمان زندگی خود اعلام کرده است، اصطلاحاً «تدبیر» نامیده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۲۵/۱۲) . تدبیر با گریختن بنده از مولای خود باطل می‌شود. البته با مرتد شدن مولی و حتی بنده باطل نمی‌شود، مگر اینکه بنده به دارالحرب فرار کند (شهید اول، ۱۴۱۲: ۱۲۶) و چون تدبیر نوعی «وصیت» است نه عتق، برخی از فقها قصد قربت را در آن لازم نمی‌دانند، ولی برخی در تدبیر هم قصد قربت را شرط دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۰۳: ۳۱۸/۶).

۳-۲-۱. بردگی قراردادی (مکاتب): این نوع بردگی در ادبیات فقهی به «عبد مکاتب» شهرت دارد و مراد از آن بردگانی‌اند که آزادی خویش را به صورت قراردادی و به‌تدریج به دست می‌آورند.. طبق شریعت اسلامی، قرارداد بردگان قراردادی بر دو گونه تنظیم می‌شود. نخست «قرارداد مطلق» که طبق آن برده در زمانَ معین اگر مبلغ معادل قیمت و بهای خویش را به ارباب خود برگرداند، آزاد می‌شود. البته دربارهٔ اینکه در صورت نیاوردن مبلغ مذکور، چه‌کاری باید صورت گیرد، در قرارداد بیان نشده است.. دوم، قرارداد مشروط. طبق این نوع قرارداد، اگر بردگان نتوانند بها و قیمت خود را به اربابان خود در مدت بیان‌شده در قرارداد برگردانند، دوباره آزادی خویش را از دست می‌دهند و به وضعیت بردگی خویش برمی‌گردند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۹۷/۱). صاحب *الشرایع* در کتاب خویش توضیح داده است برده‌ای که با مولایش در مورد آزادی‌اش قراردادی بسته باشد که هرگاه بها و قیمت خود را پرداخت کرد، آزاد شود و بنا بر شرایط مندرج در قرار داد، به صورت مشروط یا مطلق است. مطلق آن است که به عقد و مدت و عوض و نیت اکتفا شود و مشروط آن است که شرط کند اگر نتوانست بهای خود را بدهد، برده شود. در مکاتب مطلق عبد هر اندازه از قیمت خود را بدهد، به همان اندازه آزاد می‌شود و در مکاتب مشروط تا زمانی که تمام بها و قیمت را نپرداخته باشد، عبد است. «اذا

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

مات المکاتب و کان مشروطاً بطلت الکتابة و کان ما ترکه لمولاه و اولاده رقّ و ان لم یکن مشروطاً تحرَّر منه بقدر ما اداه و کان الباقی رقاً لمولاه» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱/ ۲۰۹– ۲۱۳). بردگانی که با بستن قرارداد آزاد می‌شدند، تا زمان پرداخت کامل فدیه، با دیگر بردگان تفاوتی نداشتند؛ چنان‌که از سلیمان‌بن یسار مولای میمونه همسر پیامبر اسلام(ص) که با او قرارداد آزادی نوشت، نقل شده است: «بر در خانه عایشه ایستادم و اجازه ورود خواستم. صدایم را شناخت و گفت آیا سلیمانی؟ گفتم آری. گفت آنچه بر عهده‌ات بوده است برای آزادی خود پرداخته‌ای؟ گفتم آری. فقط اندکی از آن باقی مانده است. گفت وارد شو و تا هنگامی که چیزی بر تو باقی مانده باشد هنوز مملوکی» (ابن‌سعد، ۱۳۷۵: ۶/ ۲۹۰). کنیزان نیز با نوشتن قرارداد با مالک خویش و فراهم کردن مال، امکان آزادی خویش را فراهم می‌کردند. برخی از آنان از راه تجارت فدیهٔ خود را پرداخت می‌کردند.. «أم قیس» مادربزرگ عمروبن میمون‌بن مهران، پس از نوشتن قرارداد به تجارت روغن و گردو مشغول شد تا فدیهٔ خود را پرداخت کند (أبی‌یوسف، ۱۹۷۹: ۱۳۷). در اینجا باید گفت مباحث فقهی و کلامی گسترده و پیچیده‌ای دربارهٔ برده و برده‌داری در اسلام وجود دارد که به دلیل توجه این مقاله به جنبهٔ تاریخی سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) از ذکر و پرداختن به این‌گونه مباحث خودداری کرده‌ایم.

۲. برده‌داری در عربستان پیش از اسلام

در عربستان عصر جاهلیت جنگ و خون‌ریزی در میان قبایل یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین امور آن دوران محسوب می‌شد. جنگ‌های این دوره ریشه در فقر اعراب و تلاش برای فراهم کردن منابعی برای گذران زندگی در این سرزمین خشک داشت. اعراب جاهلیت برای به دست آوردن غنیمت و گذران زندگی به جنگ با دیگر قبایل می‌پرداختند و در این جنگ و گریزها اسیرانی به دست می‌آمد که در برخی موارد در قبال آزادی، فدیه‌های سنگینی از آنان دریافت می‌شد، اما اغلب آنان را به بردگی می‌کشیدند و با آنان رفتاری خشونت‌بار و تحقیرآمیزی داشتند. در این دوره در عربستان تجارت برده، تجارتی رایج و پررونق بود که تاجران از این راه ثروت و سرمایهٔ سرشاری به دست می‌آوردند؛ از جمله بازرگانان بزرگ مکه نظیر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

عبدالله‌بن جدعان، عباس‌بن عبدالمطلب، عبدالله بن أبی‌ربیعه و حکیم بن حزام صاحب شمار بسیاری برده بودند (ابن‌سعد، ۱۴۰۵: ۲۴۴/۳). در بازارهای برده‌فروشی عربستان، برده‌ها از کشورهای مختلفی چون ایران، شام، عراق، مصر و مناطق دیگر برای فروش عرضه می‌شدند که این بازارها در آستانهٔ مراسم عمومی و مناسبت‌های بزرگ، رونق فراوان می‌یافت. بازارهای عراق و شام از مهم‌ترین بازارهای جزیرة العرب در خرید بردگان سفید بودند، اما سواحل افریقا به تجارت بردهٔ سیاه اختصاص داشت (یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۴۵۴/۶). زنگیان حبشی از عمده بردگان آن دوره بودند. بلال نخستین مؤذن اسلام، جزو همین بردگان بود. در برخی موارد نیز گروهی به نام «احابیش» که از نگهبانان مکه بودند، بردگان سفیدپوست عرب‌نژاد را که شمارشان بسی کمتر بود، با خود می‌آوردند. در آن دوره بردگان و کنیزان جزو طبقهٔ پست و فقیر بودند و در ساختار اجتماعی عربستان هیچ جایگاهی نداشتند. در این دوره ازدواج با کنیزان زن و صاحب فرزند شدن به ندرت صورت می‌گرفت و امری قبیح در نزد اعراب جاهلیت به شمار می‌رفت. اغلب برای دستیابی به منافع اقتصادی از کنیزان استفاده جنسی می‌شد و فرزندی که از این رابطه به دنیا می‌آمد، متعلق به ارباب بود. کنیزکان همیشه تحقیر می‌شدند و با القاب خاصی نظیر «ولید» مورد خطاب قرار می‌گرفتند (علی، ۱۴۲۲: ۴۷۱/۷). در دورهٔ جاهلیت کنیزان زن عمدتاً برای امور خانه‌داری و انجام امورات شخصی (امور جنسی) مالکان خویش به کار گرفته می‌شدند. علاوه بر این، کنیزان به عنوان دایگان برای افراد سرشناس و اشراف عربستان به کار مشغول می‌شدند و در مقابل نگهداری و شیردهی به کودک اجرت دریافت می‌کردند؛ چنان‌که گفته می‌شود «ثویبه» کنیز ابولهب به پیامبر اسلام شیر داده است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۳۲۳/۵). اعراب کنیزان خود را برای استفادهٔ جنسی و با هدف سوددهی اقتصادی در اختیار دیگر افراد قرار می‌دادند و آنان را مجبور به زنا می‌کردند تا هم از این طریق سود و منفعتی به دست آورند و هم از تولد فرزندانی که از این رابطهٔ جنسی به دنیا می‌آمدند، بر تعداد بردگان خود بیفزایند (علی، ۱۴۲۲: ۱۳۶/۵). زنا و فحشا از رایج‌ترین مفاسد اجتماعی عصر جاهلیت بود؛ به همین دلیل در بسیاری از آیات قرآن بر تقبیح و تحریم زنا تأکید شده است. رسول گرامی اسلام(ص) پس از فتح مکه هنگام بیعت با زنان مکه،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

ازجمله مفاد بیعت را ترک زنا بیان کرد.. برخی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که خودفروشی کنیزان در عصر جاهلیت، اغلب به اجبار صاحبانشان صورت می‌گرفته است. همچنین زنان صاحب پرچم (صواحب الرایات) بیشتر از کنیزان بوده‌اند (همان، ۱۳۵). علاوه بر امور یادشده، صاحبان کنیزکان آنان را به فراگیری امور دیگری نیز وامی‌داشتند؛ ازجمله رایج‌ترین آنها آوازه‌خوانی و برپایی مجالس غنا و لهو و لعب بود (علی، ۱۴۲۲: ۱۲۵/۵). کارهای پست معمولاً به بردگان واگذار می‌شد؛ تا جایی که در دورهٔ مذکور مشاغلی از قبیل خانه‌داری، چوپانی، حجامت، آهنگری، بنایی و امثال آن برعهده آنها بود (جوده، ۱۳۸۱: ۵۵).

۳. برده‌داری و کنیز داری پس از اسلام

هنگامی که نور اسلام بر شبه‌جزیرهٔ عربستان تابیدن گرفت، قوانین و دستورات جدیدی برای تمامی شئون زندگی مردم صادر شد. وجود ریشه‌های عمیق بردگی و برده‌داری در دوران جاهلیت و پس از آن، موجب شد از جانب خداوند دستورات قاطعی برای آزادی آنان به مسلمانان ابلاغ نشود، اما این بدان معنی نیست که خداوند و رسولش حقوق آنان را در جامعهٔ اسلامی نادیده گرفته بودند، بلکه راهکارهایی برای آزادی بردگان به صورت تدریجی ارائه کردند که با احکام شرعی پیوند می‌یافت. خداوند در آیات قرآن کریم برای احترام و آزادی بردگان و کنیزان نکات مهمی را به مسلمانان گوشزد کرده است. از راهکارهای دین اسلام برای تعدیل برده‌داری می‌توان به آزادی بردگان و کنیزان برای کفارهٔ قتل (سوره نساء، آیه ۹۲)، کفاره قسم (سوره مائده، آیه ۸۲) و کفاره ظهار (سوره مجادله، آیه ۳) اشاره کرد. خداوند متعال همچنین برای جلوگیری از بدرفتاری و سوء استفاده از کنیزان آیاتی را برای مسلمانان نازل کرد تا ظلم و تعدی بر این زنان کاهش یابد. در سوره نور چنین آمده است: «کنیزان جوان‌سال خود را اگر پاک‌دامنی را می‌خواهند بر تجاوزکاری(زنا) وامدارید»[۱](سورهٔ نور، آیه ۳۳). همچنین برای آنان مهریه قائل شد؛ «مَهرشان را به‌طور پسندیده (طبق عرف به خود ایشان بدهید» (سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۵). خداوند ازدواج کنیزان را نیز به اذن خانواده منوط کرد؛ «پس آنان را با رخصت

۱ ﴿وَلاَ تُکْرِهُوا فَتَیَاتِکُمْ عَلَی الْبِغَاءِ ان ارَدْنَ تَحَصُّناً﴾.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

خانواده‌شان به همسری درآورید»[1] (همان). خداوند متعال علاوه بر احکام وضع‌شده درآیات الهی و دستوراتی که بر پیامبر(ص) نازل می‌کرد، سعی در محدود کردن بیشتر برده‌داری کرد و آن را فقط از راه جنگ و آن هم مبارزه با مشرکان و کفار اجازه داد و جنبهٔ دفاعی داشت (طباطبائی، ۱۳۶۴: ۴۹۷/۶).

دربارهٔ آزادی اسرا پس از جنگ به نمونه‌های مختلفی در تاریخ صدر اسلام برمی‌خوریم. در نخستین جنگ مسلمانان با مشرکان یعنی جنگ بدر که حدود هفتاد نفر از کفار به اسارت درآمدند، با اینکه روش معمول جنگ‌ها گردن زدن و کشتن اسرا یا بردگی آنان بود، پیامبر شیوهٔ تازه‌ای در مورد اسرا به کار برد و دستور داد بسیاری از آنان را که با اکراه و اجبار به جنگ آمده بودند، نکشند. همچنین مردم را مخیّر ساخت از خود اسیران و یا از کسان آنان فدیه بگیرند و آزادشان کنند یا بدون فدیه آزادشان سازند. علاوه بر آن، اسیرانی که خواندن و نوشتن می‌دانستند، هر یک در برابر آزادی خویش ده مسلمان را خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد گردند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۲۷/۴). در نبرد حنین که از آخرین نبردهای مسلمانان با مشرکان بود و در آن پیروزی نصیب مسلمانان شد، شش‌هزار نفر از قبیلهٔ هوازن به اسارت درآمدند. پیامبر برای ترغیب مسلمانان به آزادی اسرای حاصل از این نبرد، اسیرانی را که سهمیه خود بود، آزاد کرد که به تبع او برخی از قبایل نیز به این امر اقدام کردند؛ البته برخی قبایل از پذیرفتن این مسئله امتناع کردند. در این میان، رسول خدا در قبال دادن چند برابر غنایم آنها را تشویق به آزادی بردگان کرد و این خود نشان از اهمیت مسئله نزد رسول خدا داشت (واقدی، ۱۴۰۹: ۷۲۲/۳).

غزوهٔ بنی‌مصطلق از دیگر نبردهایی بود که مسلمانان بر یهودیان مدینه پیروز شدند و تمام قبیلهٔ دشمن به اسارت آنان درآمد. پیامبر اکرم(ص) از طریق ازدواج با دختر رئیس قبیله به نام جویریه که اسیر شده بود، زمینهٔ آزادی اسرای یهودی را فراهم کرد؛ زیرا به سبب پیوند سببی که با حضرت ایجاد شده بود، مسلمانان به منظور احترام به پیامبر اکرم(ص) اسیران این قوم را آزاد کردند و از غنایم خویش گذشتند (طبری، ۱۳۷۸: ۱۱۰۳/۳). به نظر می‌رسد پیامبر اکرم(ص) در لحظات حساس

---

۱ ﴿فَانکِحُوهُنَّ بِاذْنِ اهْلِهِنَّ﴾.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

تاریخی سعی در توجه دادن مسلمانان به حفظ و کرامت انسانی افراد و آزادی آنان و حذف برده‌داری در میان آنان داشتند.

در عربستان عصر جاهلیت از اموری که سبب برده‌گیری افراد می‌شد، نپرداختن وام بود. فرد ناتوان از بازپرداخت وام به بردگی شخص درمی‌آمد، اما در اسلام خداوند متعال این بردگی را نهی کرده است؛ چنان‌که در آیهٔ ۲۸۰ سوره بقره آمده است: «اگر وام‌گیرنده تنگدست شود باید تا هنگام فراخ‌دستی بدو مهلتی دهید و در صورتی که وام را ببخشید برایتان بهتر است، اگر عاقبت کار را می‌دانستید».[۱] دین اسلام تا حد امکان راه‌های بردگی و سوء استفاده از افراد را بست و فقط اسارت در جنگ آن هم بنا بر مقتضیات و احکام جاری آن را مجاز دانست. در آیه ۳۳ سورهٔ نور آمده است: «از میان غلامانتان کسانی که درصددند با قرارداد کتبی خود را آزاد کنند اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید قرار بازخرید آنها را بنویسید و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]».

۴. سیره پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ اطهار در مواجهه با بردگان و کنیزان

۱-۴. احیای شخصیت بردگان و کنیزان در جامعهٔ اسلامی

پیامبر اکرم(ص) از همان آغاز دعوت با بی‌عدالتی و تبعیض نژادی موجود در جامعه عربستان به مقابله پرداخت و همهٔ افراد را با یکدیگر برابر و برادر خواند و درگام بعد با اقدامات حساب‌شده سعی در خشکانیدن ریشه‌های بردگی و مبارزه با این سنت دیرین غلط اجتماعی پرداخت. در اولین گام پیامبر اکرم(ص) در مورد مخاطب قرار دادن بردگان به مسلمانان توصیه کرد که: «لاَ یَقُلَ أَحَدُکُمْ عَبْدی وَ أَمَتی وَ لْیَقُلْ فَتای وَ فَتاتی»[۲] (طبرسی، ۱۴۱۵: ۴۰۰/۵) و به نقل از برخی مورخان، این توصیهٔ پیامبر گرامی اسلام(ص) در میان مسلمانان رایج شد (متز، [بی‌تا]: ۳۰۶/۱). از دیگر نمونه‌هایی که پیامبر به مساوات و برابری بندگان توصیه کرد، روایت نقل شده از

---

۱ ﴿وَ إِنْ کانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلی مَیْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

۲ هیچ کس در خطاب به بردگان خود از کلمه «عبد» و «امه» استفاده نکند، بلکه از کلمه «فتی» (جوانمرد) و «فتاة» استفاده کند (ر.ک. به: البخاری الجعفی، ۱۴۰۷ق: ۹۰۱/۲؛ زیدان، [بی‌تا]: ۳۲۸/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

وی است که فرمود: «أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ، وَ أَلْبِسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ»[۱] (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۷۷/۷).

در سیرهٔ پیامبر اکرم شواهد زیادی در مورد برخورد توأم با رأفت و احترام با بردگان به چشم می‌خورد.. بسیاری از صحابهٔ پیامبر مانند سلمان فارسی و بلال حبشی برده و مورد احترام پیامبر و جزو سران لشکر و امرا بودند (طباطبائی، ۱۳۶۲: ۳۶۸/۶). از دیدگاه پیامبر(ص) یکی از اموری که مؤمنان را وارد رحمت الهی و بهشت برین می‌کند، همانا آزاد کردن بنده‌ای در راه خداست؛ چنان‌که در روایتی فرمود چهار چیز است که هر کس یکی از آنها را داشته باشد، وارد بهشت خواهد شد. ۱. کسی که یک جاندار تشنه را سیراب کند؛ ۲. گرسنه‌ای را خوراک دهد؛ ۳. تن برهنه‌ای را بپوشاند؛ ۴. بنده‌ای گرفتار را آزاد سازد (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۶۴/۱). پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و غصب خلافت حضرت علی(ع)، وی از صحنهٔ سیاسی جامعه اسلامی دور شدند، اما این بدین معنا نبود که امام علی(ع) از احیای شخصیت بردگان و کنیزان در جامعهٔ اسلامی غافل بوده باشد. در منابع تاریخی چنین آمده است که روزی علی(ع) به بردهٔ خود قنبر دستور داد دو لباس، یکی به قیمت سه درهم و دیگری به قیمت دو درهم خریداری کند. هنگامی‌که قنبر لباس‌ها را خدمت علی(ع) آورد، امام(ع) لباس سه درهمی را به برده داد و لباس دو درهمی را برای خود برداشت. وقتی قنبر جویای این امر شد، علی(ع) گفت من سنی را گذرانده‌ام و همین لباس برای من کافی است، ولی تو جوانی و احتیاج به لباس بهتر داری؛ سپس حدیثی از پیامبر اسلام بیان کرد که نتیجهٔ آن، برخورد خوب با بردگان بود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۷۷/۷). علی(ع) پس از ۲۵ سال بر مسند خلافت نشست. در اولین اقدام حقوق بیت‌المال را به صورت یکسان میان مسلمانان تقسیم کرد و دردادن حقوق اجتماعی، میان بردگان و سایر مردم هیچ تفاوتی قائل نشد (ثقفی، ۱۴۱۰: ۵۲/۱)؛ به‌طوری که این امر موجب اعتراض خواهر امام علی(ع) در برابری سهم بیت‌المال خویش با کنیزش شد و وی در پاسخ بدان اعتراض فرمود در کتاب الهی هیچ تفاوتی میان عرب و عجم وجود ندارد (جعفریان، ۱۳۸۱: ۷۰).

---

۱ از همان چیزی که می‌خورید به بردگان خود بخورانید و از آنچه می‌پوشید به بردگانتان بپوشانید.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

دوران امامت امام سجاد(ع) مقارن با حکومت پنج تن از حاکمان اموی (یزیدبن معاویه، معاویه دوم، مروان‌بن حکم، عبدالملک‌بن مروان، ولیدبن عبدالملک) بود و به دلیل رواج سیاست برتری‌طلبی قومی- قبیله‌ای امویان، بردگان و موالی از نظر اجتماعی در جایگاه پایینی در جامعه قرار داشتند و این در حالی بود که بردگان به‌خصوص موالی جمعیت قابل توجهی را در جامعهٔ آن دوره تشکیل می‌دادند. امام(ع) با همنشینی و مجالست با بردگان و موالی سعی در بالا بردن حیثیت اجتماعی متزلزل آنان داشت و زمانی که از سوی نافع‌بن جبیر مورد اعتراض قرار گرفت، در جواب فرمود: «جز این نیست که آدمی باید جایی بنشیندکه بهره‌ای ببرد» (ابن‌سعد، ۱۳۷۵: ۳۳۲/۵). درواقع، در دوران سجاد(ع) تفاوت میان بنده و آزاد نه تنها از جانب حکومت اموی، بلکه در ذهن مردم نیز نهادینه شده بود، اما به مرور زمان و عملکرد امام (ع)، مردم آرام آرام نسبت به این قشر ضعیف توجه نشان دادند (سید اهل، ۱۳۳۵: ۴۵). همنشینی و مصاحبت با بردگان و موالی در سیرهٔ دیگر ائمه نیز به چشم می‌خورد. امام صادق(ع) برخی از مسائل مهم و اسراری را که فقط خواص وی در جریان بودند، با بردگان و موالی خود در میان می‌گذاشت؛ چنان‌که هنگامی که گروهی به حضور آن حضرت رسیدند و خواستار دیدن مکتوبات امام علی(ع) شدند، امام در پاسخ به آنان فرمود از وی در نزد من دو پوست است که آنان را برای نگهداری به این غلام سپرده‌ام (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۷۰/۴۷). به نظر می‌رسد این توجه و اعتماد امام در دادن امانتی‌هایی چنین ارزشمند به غلام خود و ذکر این مسئله در حضور این مهمانان، برای بالا بردن موقعیت بردگان در جامعه بوده است. در آخرین لحظات زندگی امام صادق(ع) حضور کنیز وی و وصیت آن حضرت به او در منابع تاریخی ذکر شده است. سالمه کنیز امام در زمان شهادتش در کنار وی حضور داشت و امام وجوهی را با ذکر اسامی به وی سپرد تا پس از شهادت، آنها را به صاحبانش برساند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۷).

ائمهٔ اطهار در دوران حیات خویش سعی در شناساندن احکام الهی و گسترش آن در جامعهٔ زمان خویش داشتند و از هر فرصتی برای آگاهی مردم بهره می‌گرفتند. برای مثال، هنگامی که هارون خلیفهٔ عباسی از امام کاظم(ع) سؤال کرد چگونه تمام مسلمانان را غلام و کنیز خود می‌خوانید، فرمود کسانی که می‌گویند ما چنین

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

سخنانی را گفته‌ایم، دروغ گفته‌اند. اگر این طور باشد چطور ما غلام و کنیز می‌خریم و می‌فروشیم و باز آنها را پس از خریدن آزاد می‌کنیم و با آنان نشست و برخاست داریم و غذا می‌خوریم. غلامان را پسرم و کنیزان را دخترم می‌نامیم و به سبب تقرب به خدا آنها را با خودمان در سر یک سفره می‌نشانیم (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۴۷/۴۸). در میان همسران امام کاظم(ع) کنیزی به نام «ام احمد» بود که امام وی را مورد اعتماد خاص خود می‌دانست. زمانی امام از مدینه راهی بغداد شد، مواریث امامت را نزد وی به امانت گذاشت تا بعد از اطلاع از خبر شهادت وی، آنها را به امام بعدی منتقل کند (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۹۹). امام موسی کاظم(ع) نیز در امر کشاورزی و امور باغداری با غلامان خویش به گفت‌وگو و مشورت می‌پرداخت و سخنان آنان را در آن امر به کار می‌بست (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۹). امام رضا(ع) با بردگان خود بر سر یک سفره غذا می‌خورد (قمی، ۱۳۸۰: ۱۷۹-۱۸۰).

در دورهٔ خفقان‌آور حضور امام حسن عسگری(ع) و مراقبت‌های شدید حکومت عباسی و زیر نظر بودن محل سکونت و رفت‌وآمدهای او، امام(ع) غلامان و کنیزان خویش را محرم اسرار خاندان خویش می‌دانست؛ چنان‌که دوستان و ارادتمندان آن حضرت امانت‌هایی را که برای امام می‌آوردند، به غلامان و کنیزان او می‌سپردند. پس از شهادت امام حسن عسگری و در دورهٔ امام زمان(ع) فشار سیاسی و امنیتی حکومت بر خاندان پیامبر(ص) تشدید شد و محدودیت‌هایی برای ملاقات با عموم مردم برای آنان وضع شد، اما این مسئله هیچ‌گاه موجب نشد امام ارتباط خویش را با طبقهٔ بردگان و کنیزان قطع کند، بلکه آنان را در گروه خواص و محرم اسرار خویش قرار داد. در خانه امام زمان(ع) پیرزنی به عنوان خدمتکار زندگی می‌کرد که محرم وی بود و هنگامی که نامه‌ای از جانب مردم برای امام می‌آوردند، آن پیرزن تحویل می‌گرفت و به خدمت امام می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۳) .

۲-۴. آزادی و رهایی بردگان و کنیزان

آزادی بردگان و کنیزان یکی از اقدامات برجستهٔ پیامبر و ائمهٔ اطهار در امر کاهش بردگان و کنیزان بود. پیامبر اسلام (ص) در سال های پیش از بعثت غلامی را که همسرش خدیجه به وی تقدیم کرده بود، آزاد ساخت و او را به «پسرخواندگی» پذیرفت، این غلام همان زیدبن حارثَه کَلْبی بود (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۲۶۵/۱) که در راه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

اسلام جان‌فشانی فراوان کرد. پیامبر اسلام(ص) پس از بعثت و آغاز جنگ با کفار برای گسترش اسلام سعی کرد با سخنان خویش قلوب بردگان و کنیزان را به سوی خود جلب کند و آنان را از ظلم مالکان خویش برهاند. در جریان جنگ طائف رسول خدا(ص) پیش از شروع جنگ خطاب به مشرکان فرمود: «أیّما عبد نزل، فهو حرٌّ و ولاؤه للّه و رسوله».[۱] این ندای آزادی‌بخش موجب شد عدهٔ زیادی از بردگان به اسلام بپیوندند و آزاد شوند. پیامبر اکرم(ص) در تمامی سخنان خویش به مؤمنان و مسلمانان برای آزادسازی بردگان توصیه فراوان می‌کرد؛ چنان‌که در این باره فرمود «هرکس بردهٔ مؤمنی را آزاد کند این عملش باعث آزادی او از آتش جهنم خواهد شد».(شیخ مفید،۱۳۶۴: ۴/۲)، حضرت علی(ع) با وجود تعصبات نژادی و بی‌عدالتی که در جامعهٔ اسلامی آن دوره رواج فراوانی یافته بود، با اصلاحات اجتماعی و فرهنگی خویش سعی در مقابله با افکار نژادپرستانه در آن دوره کرد. علی(ع) در طول حیات خویش هزار بنده را در راه خدا با پرداخت دستمزد خود آزاد کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۱/۲)؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمودند حضرت علی(ع) هزار برده را با دسترنج خود خرید و آزاد کرد و فقط برای جلب رضایت خداوند و نجات از جهنم، پول همهٔ آنها را با عرق جبین تهیه کرد؛ درحالی‌که خوراک روزانهٔ خانواده‌اش روغن، سرکه و خرما بود و خود نیز جز لباسی از جنس کرباس نمی‌پوشید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۴۱، ح۱۹). این نکته را باید یادآور شد که علی(ع) برای آزادی بردگان و کنیزان تلاش فراوانی می‌کرد، اما به نظر می‌رسد در بیان شیخ مفید دربارهٔ تعداد ارقام ذکر شدهٔ آزادشدگان به دست امام(ع) مبالغه شده است.

امام حسن(ع) با روحیهٔ کریمانه و سخاوتمند بی‌نظیر خویش از هر زمانی برای آزادی و رهایی این قشر رنج‌دیده استفاده می‌کرد. ابن‌کثیر در روایتی چنین آورده است که امام غلام سیاهی را در حال غذا خوردن دید. او یک لقمه خود می‌خورد و لقمه دیگر به سگی که در آن حوالی بود، می‌داد.. آن حضرت دلیل کار غلام را جویا شد؛ وی در جواب گفت من خجالت می‌کشم خود بخورم و به او ندهم. امام هنگامی که سرشت پاک آن غلام را دید، نه تنها وی را بلکه باغی را که او در آن کار می‌کرد، خرید و پس از آزادی بنده، ملک را نیز به او بخشید (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸:

۱ هر برده‌ای که پیش از ارباب خود از قلعه فرود آید و تسلیم شود، آزاد است و ولاء او با خدا و رسولش است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

۴۲/۸). ائمهٔ اطهار از خطای بردگان و کنیزان خویش راهی برای آزادی آنان پیدا می‌کردند و با رأفت خویش آنان را در راه رضای پروردگار آزاد می‌کردند. هنگامی که غلام امام حسین(ع) مرتکب خطای سختی شد و مستحق تنبیه بود، غلام که از بزرگواری و شخصیت والای آن حضرت آگاه بود، شروع به خواندن آیهٔ ۳۴ سوره آل عمران کرد؛ «الکاظمین الغیظ». امام فرمود «خشم خود را فرو خوردم». بنده باز ادامه داد «و العافین عن الناس». امام فرمود «از خطای تو گذشتم» و دوباره غلام ادامه داد «و الله یحب المحسنین». در این هنگام امام به او فرمود تو آزادی (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۹۱/۱). همچنین علامه مجلسی چنین نقل کرده است که حضرت صادق(ع) اهل بیت خود را از رفتن به روی پشت بام نهی کرده بود ولی هنگامی‌که وی وارد خانه شد، یکی از کنیزان را درحالی‌که کودک امام صادق (ع) را در آغوش داشت، هنگام بالا رفتن از نردبان مشاهده کرد. همین‌که چشم کنیز به امام(ع) افتاد، از ترس بر خود لرزید و کودک از دستش رها شد و جان سپرد. وی در این شرایط باوجود اندوه از دست دادن فرزندش، به سبب اضطراب شدیدی که برکنیز واردشده بود، ناراحت شد و وی را آزاد کرد (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۷/۲۴).

امام سجاد(ع) در مواجهه با نظام برده‌داری در عصر اموی و سیاست تبعیض نژادی آنان، سعی در آزادسازی وسیع بردگان داشت که این امر به صورت شاخصه‌ای در زندگی او نمایان است. روایات به خوبی گویای این مطلب است که امام سجاد منتظر کوچک‌ترین فرصت برای رهایی بندگان از بند اسارت بودند. تلاش گستردهٔ آن حضرت در اقدام به آزادی این گروه چنان بود که بردگان و کنیزان خویش را به مناسبت‌های گوناگون آزاد می‌کرد. برای مثال، در شب آخر ماه رمضان حضرت بندگان خویش را جمع و اعمال و رفتار خطایشان را بیان می‌کرد و سپس خود نیز از آنان حلالیت می‌طلبید و از خطاهایشان درمی‌گذشت و آنان را در روز عید آزاد می‌کرد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۱۵۸/۴) .بر همین اساس، بردگان با آگاهی از نیت امام سعی می‌کردند خود را بر سر راه امام قرار دهند تا آنها را خریداری کند؛ زیرا می‌دانستند خلاصی آنها حتمی است (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۲۸/۱).

امام محمدباقر(ع) نیز به مانند جدش اهتمام ویژه‌ای به آزادی بردگان و کنیزان داشت و این امر را هنگام شهادت نیز از نظر خود دور نکرد؛ چنان‌که وصیت کرده

بود یک‌سوم بنده‌های وی آزاد شوند و امام صادق(ع) نیز به قید قرعه از میان شصت بنده، بیست نفر آنان را آزاد کرد (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۴/۴).

۳-۴. پیوند با کنیزان راهی برای آزادی آنان

اعراب جاهلی انتخاب همسر از میان کنیزان را امری قبیح می‌شمردند و از این قشر ضعیف برای مطامع خویش بهره می‌بردند. در چنین شرایطی که آنان همواره ازدواج با کنیزان را امری پست و زشت می‌شمردند و از آن خودداری می‌کردند، پیامبر اکرم(ص) به عنوان الگو و اسوه در جامعهٔ اسلامی، از طریق ازدواج با این قشر تحت ستم، موقعیت و جایگاه آنان را در جامعهٔ اسلامی دگرگون ساخت؛ به‌گونه‌ای که حضور چهار کنیز وی یعنی ماریه، ریحانه (طبری، ۱۳۷۸: ۱۶۹/۳). صفیه و جویره (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۲) به عنوان همسر در کنار همسران آزاد او موجب ارتقای جایگاه کنیزان در جامعه اسلامی شد. پیامبر اکرم(ص) برای تشویق مسلمانان به وصلت با این گروه، دخترعمهٔ خویش زینب بنت جحش را به عقد پسرخوانده آزادشده‌اش زید درآورد و پس از اختلافات آنان، طبق دستور الهی طلاق را بر آنان جاری ساخت و زینب را به عقد خویش درآورد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۴/۸) .بدین شکل پیامبر نشان داد که بین آزاده و برده هیچ تفاوتی وجود ندارد. امامان شیعه نیز با کنیزان متعددی پیوند ازدواج برقرار کردند تا از این راه بتوانند جایگاه اجتماعی این بانوان را در جامعه اسلامی ارتقا دهند. امام علی(ع) برای رهایی این قشر آسیب‌پذیر و تحت سرپرستی قرار دادن آنان، زنان کنیز را به عقد خویش درمی‌آوردند و پس از مدتی آنان را آزاد می‌کردند. امام علی(ع) در بازگشت از نبرد صفین نیز ضمن تدوین وصیت‌نامه‌ای، دستور آزادی کنیزان باردار و صاحب فرزند خود را صادر کرد (*نهج‌البلاغه*، ۱۳۸۶: ۳۵۹). این کنیزان پس از ازدواج با ائمه، با تربیت دینی و آشنایی با سیرهٔ آنان به چنان مقام والایی دست می‌یافتند که دامن برخی از آنان جایگاه ولادت امامی از شیعیان می‌شد. امام حسن(ع) نیز به مانند سیرهٔ جدش رسول خدا(ص) از طریق پیوند با این قشر محروم، سعی در احیای جایگاه آنان داشت؛ به گونه‌ای که در منابع اسامی این کنیزان و فرزندانشان ثبت شده است. صافیه، بقیله، أم‌سلمه و أم‌عبدالله از همسران کنیز امام بودند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۲۵/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

با روی کار آمدن امویان و قدرت گرفتن حکومت آنان، تعصبات عصر جاهلیت و نظام اشرافی‌گری دوباره در جامعهٔ اسلامی احیا شد. آنان که ازدواج با کنیزان را امری دور از شأن می‌دانستند، در برخورد با اقدام امام سجاد(ع) در ازدواج با کنیزان، وی را مورد تمسخر قرار می‌دادند. عبدالملک‌بن مروان حاکم اموی حضرت را به سبب ازدواج با کنیز آزادشده‌ای، مورد تحقیر قرارداد. امام در پاسخ وی ماجرای ازدواج زینب دخترعمهٔ پیامبر(ص) با غلام آزادشدهٔ رسول خدا (زیدبن حارثه) را یادآور شد (ابن‌قتیبه، ۱۹۹۲: ۲۱۵).

امام رضا(ع) نیز برای سرپرستی و تربیت این کنیزان، با آنان ازدواج می‌کرد که از آن میان می‌توان به «سبیکه نوبیه» مادر محمدبن علی النقی جواد(ع) اشاره کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۲).این بانو چنان مقام و منزلتی معنوی داشت که امام کاظم(ع) در زمان حیات خویش به شاگرد خود فرمود اگر پس از من به نزد این بانو رسیدی، سلام مرا به وی برسان (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵۰/۲).

امام جواد(ع) داماد خلیفهٔ عباسی که از لحاظ سیاسی از جایگاه و منزلتی بالا برخوردار بود، با وصلت با کنیزی به نام «سمانه» او را هم‌طراز همسر خود أم‌فضل دختر مأمون قرار داد تا به مردم گوشزد کند که برتری انسان‌ها براساس خاندان و نژاد و ثروتشان نیست، بلکه درگرو اعمال نیک آنان در نزد پروردگار است. سمانه این بانوی باتقوا مادر دهمین امام شیعیان (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۹۷/۲) چنان مقام والایی را به دست آورد که امام هادی(ع) در فضیلت این بانو فرمود: مادرم عارف به‌حق من در امامت و از اشخاص راستگو و نیکوکار بود (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۲۸). این کنیزان تحت تأثیر تربیت ائمه از چنان تقوای الهی برخوردار می‌شدند که در نبود امامان(ع) به عنوان تکیه‌گاهی استوار و محکم نزد عامه مردم شناخته می‌شدند (قمی، ۱۳۸۰: ۴۷۲).

۴-۴. تعلیم و تربیت بردگان و کنیزان

پیامبر اکرم و ائمهٔ اطهار در دوران حیات خویش سعی در آگاه کردن و تربیت بردگان و کنیزان خویش داشتند که از این رهگذر برخی از آنان از شاگردان تراز اول مکتب تشیع و از مدافعان سرسخت آن شده بودند. ائمه براساس شرایط ویژهٔ زمان خویش و آزادی‌های آن دوره به تربیت آنان می‌پرداختند. سیرهٔ امام حسین(ع)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

در تربیت بردگان و آموزش مبانی اسلام ناب به این قشر ضعیف جامعهٔ اسلامی موجب شد آنان در واقعهٔ کربلا به سربازانی وفادار در رکاب امام تبدیل شوند. در این میان، بردگانی که در محضر امام علی(ع) و امام حسن(ع) به کسب معرفت پرداخته بودند، به چشم می‌خورند. نصربن آبی‌نیزر و سعد از تربیت یافتگان مکتب علی‌بن أبی‌طالب(ع) (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۶)، منهج غلام حسن‌بن علی(ع) (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۳/۴) و اسلم (مقرم، ۱۳۸۷: ۱۶۵) و قارب از غلامان حسین‌بن علی (ع) از بردگانی بودند که در این واقعه حضور داشتند.

امام سجاد(ص) پس از واقعهٔ کربلا در فضای سیاسی خفقان‌آور امویان، برای گسترش اسلام حقیقی به نگهداری و تربیت بردگان و کنیزان پرداخت. امام(ع) در راستای این امر مهم پس از خریداری بردگان و کنیزان و سپری کردن زمانی نزد آنان، به آموزش و تعلیم بردگان می‌پرداخت و در زمان مناسب آنان را آزاد می‌کرد. برخی از این بردگان با تعلیمات حضرت توانستند به افرادی برجسته تبدیل و از موقعیت و جایگاه اجتماعی مطلوبی برخوردار شوند؛ از آن جمله می‌توان از اسحاق‌بن یسار، عبدالله‌بن عطا، سالم‌بن أبی‌حفصه، سدیربن حکیم و سعیدبن جبیر نام برد (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۹-۱۱۷).

یکی از راهکارهای مؤثر امام باقر(ع) که زمینه‌ساز رشد بردگان و موالی در جامعه گردید، تلاش بی‌وقفهٔ وی در راستای جذب، تعلیم و تربیت این گروه بود؛ به گونه‌ای که تعداد قابل توجهی از اصحاب و دانش‌آموختگان مکتب امام باقر(ع) را بردگان و موالی تشکیل می‌دادند؛ نام این بردگان و موالی در کتب رجالی ذکر شده و تعدادی از آنان افتخار شاگردی پدر بزرگوار امام باقر(ع) را نیز داشتند؛ از جمله اسحاق‌بن یسار، حبیب‌بن حسان‌بن أبی‌اشرس اسدس و حمران‌بن أعین شیبانی (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۵-۱۱۶). در دورهٔ امام کاظم(ع) تعلیم و تربیت از جامعه بسیار با سختی صورت می‌گرفت و حضرت(ع) در اوضاع خاص سیاسی آن زمان که فعالیت‌های علمی خود را محدود می‌کرد، سعی در آموزش آنان داشت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۸۴). از موالی و بردگانی که از محضر امام کسب فیض کردند می‌توان به احمدبن محمد أبی‌نصر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۶)، حسن‌بن محبوب سراد که دارای تألیفاتی است (ابن‌ندیم، ۱۳۸۱: ۴۰۶) و یونس‌بن عبدالرحمن که از اصحاب امام هفتم است و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

تألیفاتی نیز دارد (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۶).

ائمهٔ اطهار از هر لحظه برای آموزش مبانی اسلامی به غلامان و کنیزان خود بهره می‌گرفتند و سعی در اصلاح رفتارهای آنان داشتند و با سخنان و سیره عملی خویش به آنان درس زندگی شرافتمندانه می‌دادند. هنگامی که امام رضا(ع) مشاهده کرد غلامان میوه‌ها را به صورت نیم‌خورده بر روی زمین می‌اندازند، امام بدون واکنش تند و با آرامش به آنان فرمود اگر به همهٔ میوه‌ای که می‌خورید نیاز ندارید آن را به کسانی که احتیاج دارند، بدهید (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۰۲/۴۹). از دیگر نمونه‌های آموزش امام رضا(ع) می‌توان به تعلیم ذکری به غلام خویش که خواندن آن موجب مقبولیت توبه‌اش می‌شد، اشاره کرد (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۵۳/۱). امام هادی(ع) نیز به مانند دیگر ائمه به تربیت و ارتقای سطح علمی بردگان و کنیزان در جامعهٔ اسلامی توجه فراوانی داشت و به تعلیم آنان می‌پرداخت که از آن جمله می‌توان به خیران خادم از غلامان و شاگردان حضرت اشاره کرد (برقی، ۱۳۴۲: ۳۸۶).

۵-۴. دفاع از حقوق بردگان وکنیزان

دفاع از حقوق بردگان و کنیزان و احترام به حقوق انسانی آنان، از دیگر اموری بود که ائمهٔ اطهار به آن اهتمام ویژه‌ای داشتند. ابن‌شهرآشوب نقل کرده است که شخصی بر غلام خویش که مرتکب خطایی شده بود، خشم گرفت و قصد کشتن او را کرد، غلام از ترس اربابش به خانه امام صادق(ع) پناه برد و امام(ع) واسطه شد تا اربابش از خطای او درگذرد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۲۳۵/۴).

ائمهٔ اطهار برای حقوق بردگان و کنیزان خویش اهمیت قائل می‌شدند. هنگامی که امام رضا(ع) سخنان غلامان رومی و صقلبی خویش را دربارهٔ رگ‌زنی در آغاز فصل که از سنت‌های دیرینهٔ آنان در کشور خودشان بود شنید، برای این امر به نزد طبیب پیغام فرستاد تا برای اجرای این سنت نزد غلامان حضرت برود (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۷/۲). حتی امام رضا(ع) برای تعیین نشدن حقوق کارگری که برای کار به منزل وی رفته بود و مزدی برایش تعیین نشده بود، بسیار ناراحت و پریشان شد و فرمود قبل از شروع کار حق او را مشخص کنید تا در پایان کار از پول پرداختی شما ناراضی نباشد (قمی، ۱۳۸۰: ۳۴۰).

ائمهٔ اطهار در تمامی زمینه‌ها از حقوق اجتماعی بردگان و کنیزان دفاع می‌کردند؛

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

حتی در جزئی‌ترین امور برای حقوق آنان اهمیت قائل می‌شدند. هنگامی‌که امام حسن عسگری(ع) و برادرش جعفر در زندان به سر می‌بردند، جعفر در حضور امام کنیز خویش را با لفظی بد خطاب کرد، امام از این سخن ناپسند برادر ناراحت شد و او را از توهین به زیردست خود منع کرد (راوندی، ۱۴۰۹: ۶۸۲/۲).

حضرت علی(ع) پس از ۲۵ سال دوری از عرصهٔ سیاسی، هنگامی که بر مسند خلافت جامعهٔ اسلامی تکیه زد و در پی ناعدالتی‌های سالیان گذشته در حق طبقهٔ بردگان و کنیزان، سعی در احقاق حقوق آنان داشت. امام (ع) در اولین اقدام خویش به تساوی بیت‌المال پرداخت و به کارگزاران خویش در سرزمین‌های اسلامی دستور داد در تقسیم بیت‌المال بین عرب و قریش و انصاری و موالی هیچ تفاوتی قائل نشوند و فقط ملاک آن را مسلمانی قرار دهند (شیخ مفید، ۱۳۷۹: ۱۵۲). عدالت امام علی(ع) و دفاع از کنیزان و غلامان در هر زمانی و مکانی صورت می‌گرفت؛ چنان‌که وقتی امام در بازار کنیزی را پریشان‌حال و گریان مشاهده کردند، از او سبب این امر را پرسیدند و او گفت خرمایی خریده که صاحبش نپسندیده است و فروشنده هم پس نمی‌گیرد. امام به همراه کنیز نزد فروشنده رفت و از او تقاضا کرد جنسش را پس بگیرد (مجلسی، ۱۳۸۸: ۵۰۷/۴). طبرسی نمونه‌ای دیگری از رأفت امام ذکر می‌نماید که امام خانه‌ای نو را خریداری کرد و بااطلاع از نیاز غلامش به مسکن آن را به وی هدیه کرد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۵۲۵/۶).

نتیجه‌گیری

برده‌داری در عصر جاهلیت در عربستان پدیده‌ای بسیار ریشه‌دار و کهن بود که اشراف و تجار از راه تجارت و استثمار آنان به ثروت سرشاری دست می‌یافتند و همین امر موجب شد با ظهور اسلام دستور قاطعی در زمینهٔ منع برده‌داری و برده‌فروشی صورت نگیرد. البته این بدان معنی نیست که احکامی به منظور رفاه حال و آسایش آنان صادر نشده است. پیامبر اکرم(ص) پس از بعثت با سخنان خویش سعی در محدود کردن این پدیدهٔ شوم کرد و با رفتار عملی خویش در آزادسازی و ازدواج با کنیزان، دیگر مسلمانان را نیز ترغیب به این امر کرد و آرام آرام برده‌داری و بردگی در عصر پیامبر رو به اضمحلال نهاد، اما پس از وفات پیامبر(ص)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

و روی کار آمدن خلفا نظام اشرافی‌گری و تبعیض قبیله‌ای و نژادی دوباره در جامعهٔ اسلامی پدیدار شد. حضرت علی(ع) در دورهٔ زمامداری با موضع‌گیری و توزیع عادلانهٔ بیت‌المال و حمایت از بردگان توانستند تا حدودی جایگاه از دست رفته را به آنان بازگرداند، اما با ظهور امویان اشرافی‌گری و تفاخر به نژاد و قبیله در جامعهٔ اسلامی دوباره قوت گرفت. ائمهٔ اطهار به‌خصوص امام سجاد(ع) با سخنان خویش به احیای شخصیت آنان می‌پرداختند. امام سجاد(ع) با خرید تعداد فراوانی از بردگان و نگهداری آنان و تربیت دینی، در زمان مناسب آنان را آزاد می‌کرد. در جامعهٔ اسلامی کنیزان از مرتبهٔ پایین‌تری برخوردار بودند و ظلم و ستم فراوانی به آنان روا می‌شد و به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای جنسی صاحبانشان مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ ازدواج با آنان امری قبیح و دور از شأن بود، اما ائمهٔ اطهار(ع) با داشتن جایگاهی والا از طریق ازدواج با کنیزان مرتبه و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی بهبود بخشیدند و این امر پس از آنان به امری عادی و مرسوم در جامعهٔ اسلامی تبدیل شد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج۴، ۶، بیروت: دار صادر.
- ابن‌سعد، محمد (۱۳۷۵)، *طبقات الکبری*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، ج۵، ۶، تهران: انتشارت فرهنگ و اندیشه.
- ..... (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۸، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌شهرآشوب، ابوجعفر (۱۳۷۹)، *المناقب آل أبی طالب*، ج۴، قم: علامه.
- ابن‌قتیبه، ابی محمد (۱۹۹۲)، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، القاهرة: الهیئة المصریة ، الطبعه الثانیه.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۸)، *البدایة و النهایة* ، ج۵، ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، ج۳، ۵، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌ندیم، محمدبن اسحق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- ابن‌هشام، عبدالملک [بی‌تا]، *سیرة النبویه*، ج۱، ۴، بیروت: دار المعرفة.
- أبی‌یوسف، یعقوب‌بن ابراهیم (۱۹۷۹)، *الخراج*، بیروت: دار المعرفة.
- البخاری الجعفی، محمدبن اسماعیل (۱۴۰۷)، *صحیح البخاری*، ج۲، بیروت: دار ابن‌کثیر، الطبعة الثالثة.

- برقی، احمدبن محمد (۱۳۴۲)، *رجال البرقی*، تصحیح حسن مصطفوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- البعلبکی، روحی (۱۳۸۷)، فرهنگ عربی و فارسی، ترجمهٔ محمد مقدس، تهران: امیرکبیر.
- ثقفی، ابراهیم‌بن محمد (۱۴۱۰)، *الغارات*، ج۱، قم: دار الکتاب.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، *حیات فکری و سیاسی ائمه*، قم: انصاریان.
- جوده، جمال (۱۳۸۱)، *اوضاع اقتصادی موالی در صدر اسلام*، ترجمهٔ مصطفی جباری و مسلم زمانی، تهران: نشر نی.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج۷، قم: موسسهٔ آل البیت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق: دار القلم.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹)، *الخرائج و الجرائح*، ج۱، ۲، ۳، قم: مدرسة الامام المهدی.
- زیدان، جرجی [بی تا]، *تاریخ التمدن الاسلامی*، ج۲، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
- سید اهل، عبدالعزیز (۱۳۳۵)، *زین العابدین علی بن الحسین(علیه السلام)*، ترجمه حسین وجدانی، [بی‌جا]: کتابفروشی محمدی.
- شهید اول، ابوعبدالله مکی عاملی (۱۴۱۲)، *اللمعة الدمشقیه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین‌الدین‌بن نورالدین علی‌بن احمد عاملی جُبَعی (۱۴۰۳)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج۶، قم: دار الهادی للمطبوعات.
- شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج۱، ۲، قم: کنگره شیخ مفید.
- ..... (۱۳۶۴)، *امالی*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ..... (۱۳۷۹)، *الاختصاص*، تهران: مکتب الصدوق.
- صدوق، أبی جعفر (۱۳۶۸)، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمهٔ علی‌اکبر غفاری، ج۴، [بی‌جا]: نشر صدوق.
- ..... (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج۱، ۲، تهران: جهان مکان.
- ..... (۱۳۹۸)، *علل الشرایع*، ترجمهٔ محمدعلی سلطانی، ج۱، تهران: انتشارات طوبی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمهٔ سید محمدباقر موسوی همدانی، ج۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، حسن‌بن فضل (۱۴۱۲)، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی، چ۴.
- ..... (۱۴۱۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۵، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- ..... (۱۴۱۷)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، ج۱، قم: آل البیت.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۷۸)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۳، ۵، ۸، بیروت: دار التراث.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۱)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- ..... (۱۳۷۳)، *رجال الطوسی*، تصحیح جواد قیومی، قم: موسسة النشر الاسلامی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

- علی، جواد (۱۴۲۲)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج۵، ۷، [بی جا]: دارالساقی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل*، قم: دلیل ما.
- ..... (۱۳۸۰)، *الانوار البهیه*، ترجمهٔ محمد محمدی اشتهاردی، قم: ناصر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۲)، *الکافی*، ج۶، تهران: اسلامیه.
- متز، آدام [بی تا]، *الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری*، ترجمهٔ محمد عبدالهادی ابوریده، ج۱، بیروت: دار الکتب العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، ج۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانیة.
- ..... (۱۳۶۳)، *بحار الانوار*، ج۴۹، ۴۸، ۴۷، ۲۴، تهران: اسلامیه، الطبعة الثانیة.
- ..... (۱۳۸۸)، *تلخیص و ترجمهٔ بحار الانوار*، به کوشش موسسهٔ فرهنگی شمس الضحی، ج۴، تهران: کتاب نیستان.
- محقق حلی، جعفربن حسن (۱۴۰۸)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج۲، قم: اسماعیلیان.
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ج۲، ۴، قم: دار الهجرة، چ۲.
- ..... (۱۴۲۶)، *اثبات الوصیة للامام علی‌بن أبی طالب*، قم: انصاریان، چ۲.
- مقرم، عبدالرزاق (۱۳۸۷)، *مقتل الحسین*، ترجمهٔ محمدجواد مولوی‌نیا، قم: جلوه کمال، چ۳.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵)، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
- نجفی، محمدحسن‌بن باقر (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج۱۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- *نهج‌البلاغه* (۱۳۸۶)، گردآوری سید رضی، ترجمهٔ محمد دشتی، قم: الهادی.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹)، *المغازی*، ج۳، بیروت: مؤسسهٔ اعلمی.
- هاشمی شاهرودی، محمود و دیگران (۱۴۲۶)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، تصحیح محققان مؤسسهٔ دائرة المعارف فقه اسلامی، ج۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- یعقوبی، احمدبن یعقوب (۱۳۴۲)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، ج۱، تهران: بنگاه نشر و کتاب.
- یوسفی غروی، محمدهادی (۱۴۱۷)، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، ج۶، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

List of sources with English handwriting

- The Holy Quran
- Ebrahim Hassan, Hassan (2009), The Political History of Islam, translated by Abolghasem Payende, Tehran: Javidan Publications.
- Ibn Athir, Izz al-Din Ali (1385), Al-Kamil Fi Al-Tarikh, Beirut: Dar Sader, Volume 6-4.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali ibn Husayn (1406), The reward of deeds and the punishment of deeds, Qom: Dar al-Sharif al-Radhi.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

- --------- (1378), Ayoun Akhbar al-Reza PBUH, Tehran: Jahan Makan, Volume 2-1.
- Ibn Sa'd, Muhammad, (1405), Tabqat al-Kubra, Beirut: Dar Beirut, Volume 3; (1410), Tabaqat al-Kubra, research by Muhammad Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, Volume 6; (1996), Tabaqat al-Kubra, translated by Mohammad Mahdavi Damghani, Tehran: Farhang va Andisheh Publishing, Volume 5-3.
- Ibn Shahr Ashob (1379), Al-Manaqib Al-Abi Talib, Qom: Allameh, Volume 4.
- Ibn Qutaybiyyah, Abi Muhammad (1992), Al-Ma'arif, research on the wealth of Akkasheh, al-Qahir: Al-Hayya al-Masriyah.
- Ibn Manzoor, (1414 AH), Arabic language, corrected by Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Kathir, Ismail (1408), The Beginning and the End, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Volume 8-5.
- Ibn Nadim, Mohammad Ibn Ishaq (2002), Index, translated by Mohammad Reza Tajaddad, Tehran: Asatir Publications.
- Ibn Hisham, Abdul Malik (unpublished), Sira al-Nabawiyyah, Beirut: Dar al-Ma'rifah, Volume 1.
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1407), Sahih al-Bukhari, Beirut: Dar Ibn Kathir, third edition.
- Barghi, Ahmad Ibn Mohammad (1342), Rijal al-Barqi, edited by Hassan Mostafavi, Tehran: University of Tehran Press, first edition.
- Saghafi, Ibrahim bin Muhammad (1410), Al-Gharat, Qom: Dar al-Kitab, first edition, volume 1.
- Jafarian, Rasool (2002), The intellectual and political life of the Imams, Qom: Ansarian.
- Jude, Jamal (1381), Situation Economics of Mawlawi in the Early Islam, translated by Mostafa Jabbari and Muslim Zamani, Tehran: Ney Publishing.
- Har'amli, Muhammad ibn Hassan (1409), Detailing the means of the Shiites to study the issues of Sharia, Qom: Al-Bayt Institute, vol. 7.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1334) and others, Dictionary, Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute and University of Tehran, first edition.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

- Ragheb Isfahani, (1412), Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Tahqiq, Davoodi, Safwan Adnan, Beirut: Dar Al-Qalam, Al-Dar Al-Shamiya, first edition.
- Ravandi, Qutbuddin (1409), Al-Kharaij wa Al-Jaraih, Qom: Imam Al-Mahdi School, first edition, Volume 3-2-1.
- Zidane, George (unpublished), History of Islamic Civilization, Beirut: Darmaktab al-Hayat, Volume 2; (1333), History of Islamic Civilization, translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Amirkabir, Volume 4-3.
- Zayn al-Din Jaba'i Ameli (Shahid Thani), (1403), Al-Rawdah al-Bahiyya in the explanation of the Damask region, Iran: Dar al-Hadi.
- Sayyid Ahl, Abdul Aziz (1335), Zayn al-Abidin Ali ibn al-Hussein (peace be upon him), translated by Hussein Wajdani, (unpublished) Mohammadi Bookstore
- Shahroudi and others (1426), The culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt (as), edited by the researchers of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute, Qom: Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the religion of the Ahl al-Bayt (AS), Volume 1-2.
- Shahid Aval (1412), Al-Lama'a Al-Damashqiyah, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Sheikh Mofid (1413), Al-Arshad Fi Maarefa Hajjullah Ali Al-Abad, Qom: Congress of Sheikh Moqid, Volume 1.
- Saduq, Abi Ja'far (1368), From La Yahdhra al-Faqih, translated by Ali Akbar Ghaffari, (unpublished): Saduq Publishing, first edition.
- --------- (1398), Causes of Sharia, translated by Mohammad Ali Soltani, Tehran: Touba Publications.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1362), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Dar Al-Kitab Al-Islamiyya, Tehran, Fourth Edition, 1983, Volume 6; (1364), Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the seminary teachers' association, Volume 6.
- Tabarsi, Hassan Ibn Fadl (1412), Makarem al-Akhlaq, Qom: Al-Sharif Al-Radhi.
- --------- (1415), Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Al-A'lami Foundation, first edition, volume 5.
- --------- (1417), Al-Wari announcement with Al-Huda notice, Qom: Al-Bayt.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1378), History of Nations and Kings, research by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut: Darathras, Volume 8-5-3.
- Ali, Jawad (1422), in detail in the history of the Arabs before Islam, Dar al-Saqi, (unpublished), vols.
- Qazi Abu Yusuf, Yaqub Ibn Ibrahim (1979), Al-Kharaj, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Qomi, Sheikh Abbas (1380), Al-Anwar Al-Bahia, translated by Mohammad Mohammadi Eshtehardi, Qom: Nasser.
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub (1362), Al-Kafi, Tehran: Islamieh, Volume 6-2.
- Metz, Adam, Al-Hadhara al-Islamiyya fi al-Qarn al-Rabi 'al-Hijri, translated (Arabic) by Muhammad Abdul Hadi Abu Rideh, Dar al-Kitab al-Arabi: Beirut, fifth edition, volume 1.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1403), Baharalanvar, Beirut: Al-Wafa Foundation, Second Edition, Volume 41; (1363), Bihar Al-Anwar, Tehran: Islamieh, second edition, volumes 50-49- 48- 47- 46- 45-32.
- --------- (2009), Summary and Translation of Baharalanvar, by the Shams Al-Dhahi Cultural Institute, Tehran: Neystan Book, Volume 6-4-3.
- Mohaqeq Hali, Ja'far ibn Hassan (1408), Sharia al-Islam fi al-Halal wa al-Haram, Qom: Ismailis.
- Masoudi, Abolhassan Ali, (1409), promoters of gold and mines of Al-Jawhar, research of Asad Dagher, Qom: Dar al-Hijra, second edition, volume 4-2.
- --------- (1426), Proof of the will of Imam Ali ibn Abi Talib, Qom: Ansarian, second edition.
- Muqarram, Abdul Razzaq (1387), Murder of Hussein, translated by Mohammad Javad Mawlawi Nia, Qom: Jelveh Kamal, third edition.
- Najashi, Ahmad Ibn Ali (1365), Rijal al-Najashi, Qom: Islamic Publishing Institute for the Society of Teachers.
- Nahj al-Balaghah, (2007), compiled by Seyyed Razi, translated by Mohammad Dashti, Qom: Alhadi.
- Yaqubi, Ahmad Ibn Ya'qub (1342), Yaqubi History, translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Publishing and Book Company.

– Yousefi Gharavi, Mohammad Hadi (1417), Encyclopedia of Islamic History, Qom: Islamic Thought Complex, first edition.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.69] [DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.1.9] [Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-07]